

## سناریوی مرگ کودک

### دکتر فرزانه صحافی

رئیس گروه سلامت کودکان و شیرمادر  
دانشگاه علوم پزشکی مشهد

### شبلم نصیرایی

کارشناس نظام مراقبت مرگ ۱-۵۹ ماهه  
دانشگاه علوم پزشکی مشهد



زهرا خانم اولین بار که خبر بارداری خود را از زبان مامای مرکز خدمات جامع سلامت شنید، داشتن فرزند سالم همراه با گرمای زندگی را برای خود مجسم کرد. هر بار که برای مراقبت دوران بارداری به خانه بهداشت مراجعه می کرد با وسواس خاصی در خصوص سلامت جنین خود آموزش های لازم را دریافت می کرد. در هفته ۳۰ بارداری وقتی مامای مرکز سونوگرافی انجام شده را برای او تشریح می کرد، زهرا دوست داشت زودتر دوران بارداری اش به آخر برسد تا او بتواند اولین فرزند خود را که دختر هم بود در آغوش بگیرد. بعد از مراقبت ۳۴ هفته ای هنگامی که ماما آموزش ها و علایم خطر را به مادر آموزش می داد زهرا تصمیم گرفت وسایل نوزادش را سریعتر آماده کند. به اتفاق خانواده به شهر رفتند. اولین چیزی که نظر زهرا را جلب کرد تخت و کمد کوچک و زیبایی بود که زهرا دوست داشت برای کودکش تهیه کرده و جگر گوشه اش را روی آن بخواباند و لباس هایش را در کمد آویزان کند.

لوازم مورد نیاز کودک خریداری و با سلیقه دوستان و فامیل در اتاق چیده شد بالاخره در بیستمین روز مرداد ماه «آیناز» زیبا به دنیا آمد و زهرا و خانواده که از داشتن فرزندی سالم بسیار خوشحال بودند مراقبت از او را برای خود در اولویت قرار دادند. «آیناز» رشد بسیار مناسبی داشت و بارهنگامی و مراقبت های بهورز خانه بهداشت از رشد و تکامل مطلوب بهره مند بود. در یک روز گرم تابستانی هنگامی که فقط یک ماه به سه سالگی آیناز مانده بود، مادرش از کارهای روزانه فارغ شده و در اتاق استراحت می کرد و آیناز هم مشغول بازی بود. مادر که از خواب بیدار شد آیناز در اتاق نبود. او را صدا زد اما پاسخی نشنید. وقتی به سراغ آیناز رفت در کمال ناباوری دید که کمد لباس روی دخترش افتاده و حالا آیناز به سختی نفس می کشد. زهرا بلافاصله از همسایه ها کمک خواست و با کمک اهالی روستا آیناز را به خانه بهداشت بردند. بهورز که با سرو صدا و بیقراری زهرا مواجه شد، بلافاصله کودک را روی تخت گذاشت و به سراغ تلفن رفت تا با اورژانس تماس بگیرد. سپس شروع به ماساژ قلبی و تنفس مصنوعی کرد. نفس آیناز که برگشت، همراهان زهرا کودک را برداشته تا با خودرو یکی از اهالی روستا او را به بیمارستان شهر برسانند؛ ولی متأسفانه آیناز در بین راه بر اثر شکستگی دنده ها، آسیب جدی به ریه و خفگی جان خود را از دست داد.

### به نظر شما اگر موارد زیر رعایت می شد، مرگ اتفاق می افتاد؟

- آموزش و توصیه های پیشگیری از سوانح و حوادث متناسب با سن کودک به مادر و خانواده توسط بهورز داده می شد.
- مادر هنگام استراحت ابتدا باید کودک خود را در محل امن قرار می داد.
- کمد کودک گنجایش حجم زیادی از لباس و وسایل را ندارد و به دلیل اینکه ارتفاع کوتاهی دارد خیلی زود سقوط خواهد کرد. پدر آیناز باید کمد کودک را در جای امنی قرار می داد و آن را به دیوار ثابت می کرد تا از سقوط آن پیشگیری شود.
- هرگز به مدت طولانی کودک را تنها در اتاق یا در هر مکانی به حال خود رها نمی کرد.
- بازدید از منازل و تکمیل چک لیست ایمنی منزل در روستاها باید تکمیل می شد.
- آموزش خانواده در خصوص چیدمان وسایل به نحوی که در هنگام زلزله یا آویزان شدن کودک، سقوط رخ ندهد.
- بهورز ابتدا باید احیای پایه کودک را شروع می کرد و از شخص دیگری درخواست می کرد تا با اورژانس تماس بگیرند.
- کودک پس از احیا، نیاز به مراقبت مداوم توسط فرد دوره دیده دارد و باید با آمبولانس انتقال می یافت.

به این موضوع امتیاز دهید (۱۰ تا ۱۰۰). کد موضوع ۹۸۲۱۴. پیامک ۳۰۰۰۷۲۷۳۱۰۰۰۱. نحوه امتیاز دهی: امتیاز - شماره مقاله. مثال: اگر امتیاز شما ۸۰ باشد (۸۰ - ۹۸۲۱۴)

